

متن پرسش

سلام: امید که سوال مرا بی پاسخ نگذارید گر خطا گفتم تو اصلاحش نما. حوادث اخیر کشور مرا متوجه عمق مظلومیت جناب موسوی نمود. در ۸۸ چندان در جریان حوادث نبودم ولی حال می فهمم چگونه آن سید مورد جفا قرار گرفت نسبت به تقلب دو حالت می توان داشت یا صورت گرفته یا نگرفته. اگر تقلب رخ داده است که حقانیت موسوی ثابت می شود و اگر تقلب نشده دو مطلب را می توان مورد توجه قرار داد یکی مذبذب بودن بخش وسیعی از مردم ایران که هر بار افرادی که فرسنگها فاصله از هم دارند را انتخاب می کند و تفاوتشان را گویی ملت درک نمی کند. (که البته انتخابات بعدی حاکی از تصمیم ملت برای اصلاحات است) و دو اینکه شاید بتوان گفت جناب موسوی در جهل مرکب هستند و این مورد را ما مثلا در ابن سینا و سایر حکما شاهد بودیم. مثلا قائل به عقول عشره بودند پس وقتی ابن سینا اینگونه است چه توقعی از موسوی؟ مطلب بعد اینکه چرا دائم تاکید بر تمایز بین اعتراض مردم به گرانی و اغتشاش گران شد؟ در حالیکه بیانیه های موسوی را می خواندم دعوتش فقط به تظاهرات آرام بود و چارچوب را کاملا در قالب قانون اساسی و اجرای بی تنازل آن دانستند. پس باید اغتشاش گران ۸۸ را هم مرتبط به موسوی ندانست از طرفی راهپیمایی های برخی از مردم ما را به فکر فرو می برد که نکند ۹ دی ها هم از همین قبیل بود البته بالاخره نظام ۱۰-۱۵ میلیون هوادار دارد که بعید می دانم تظاهرات اخیر درین حد بوده باشد. اما ۳۰-۴۰ میلیون بقیه چه و چرا این راهپیمایی ها بدون مجوز صورت گرفت و چرا مجوزی به مخالفان داده نمی شود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چون جریان آقای موسوی فرق می کند. بحث اعتراض به انتخابات نبود، بحث فتنه گرانی بود که شعارهای ضد نظام و براندازی می دادند و ایشان در آخرین بیانیه های خود آن ها را انسان های خداجوی خواند و این که چند ماه قبل از انتخابات با مصاحبه ای که یادم نیست با گاردین یا اشپیگل داشت گفته بود در آینده بساط ولایت فقیه را برمی چینیم و دشمن را امیدوار کرد به سرنگونی نظام، و همی فشارهایی که از طریق تحریم ها به مردم وارد شد پیرو سخنان و موضع گیری آقای موسوی بود که دشمن را امیدوار به سرنگونی نظام کرد. در حالی که قبلاً دشمن مأیوس شده بود و این یک خیانت بزرگ به ملت است. موفق باشید